

پرونده‌های امنیت‌گاری

برای پژوهش در زمینه نگارگری در ایران، باید تا آن‌جا که ممکن است به گذشته بازگشت، بازگشتی به طول تاریخ، جرا که نگارگری ایران که تا به این اندازه مورد توجه هنر شناسان شرق و غرب قرار گرفته است، هنری نیست که طی چند سده به وجود آمده باشد.

بررسی این هنر والا که پدید اورندگان آن اهدافی برتر از صرف خلق یک اثر هنری داشته‌اند، نه تنها سیر تکوین و تکامل هنر ایرانی را نشان می‌دهد. بلکه آینه‌ تمام نمایی از اعتقادات و عرفان و رمز و نشانه‌های شیعیان ایران است.

از طرف دیگر، کارشناسان هنری معتقدند که امیختگی این هنر با ادبیات و هنر تصویرسازی، باوری‌بزیری و نزدیکی آن با فرهنگ عامه، رمز مانندگاری آن در طول تاریخ و سبب ریشه دواندن آن در سایر شاخه‌های هنر ایران شده است.

به دلیل اهمیت شاهنامه در میان نگاره‌های ایران، گروه هنرهای سنتی فرهنگستان هنر تصمیم گرفت به منظور بررسی جنبه‌های ارزشی و زیبایی‌شناختی شاهنامه نگاری، در اردیبهشت ماه هماشیش شاهنامه نگاری را برگزار کند. لذا بروندۀ این شماره «آینه خیال» به این مقوله اختصاص یافته است.

پژوهش اسلامی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرستال جامع علوم انسانی

مجلس تشیع جنازه اسفندیار در شاهنامه ایلخانی

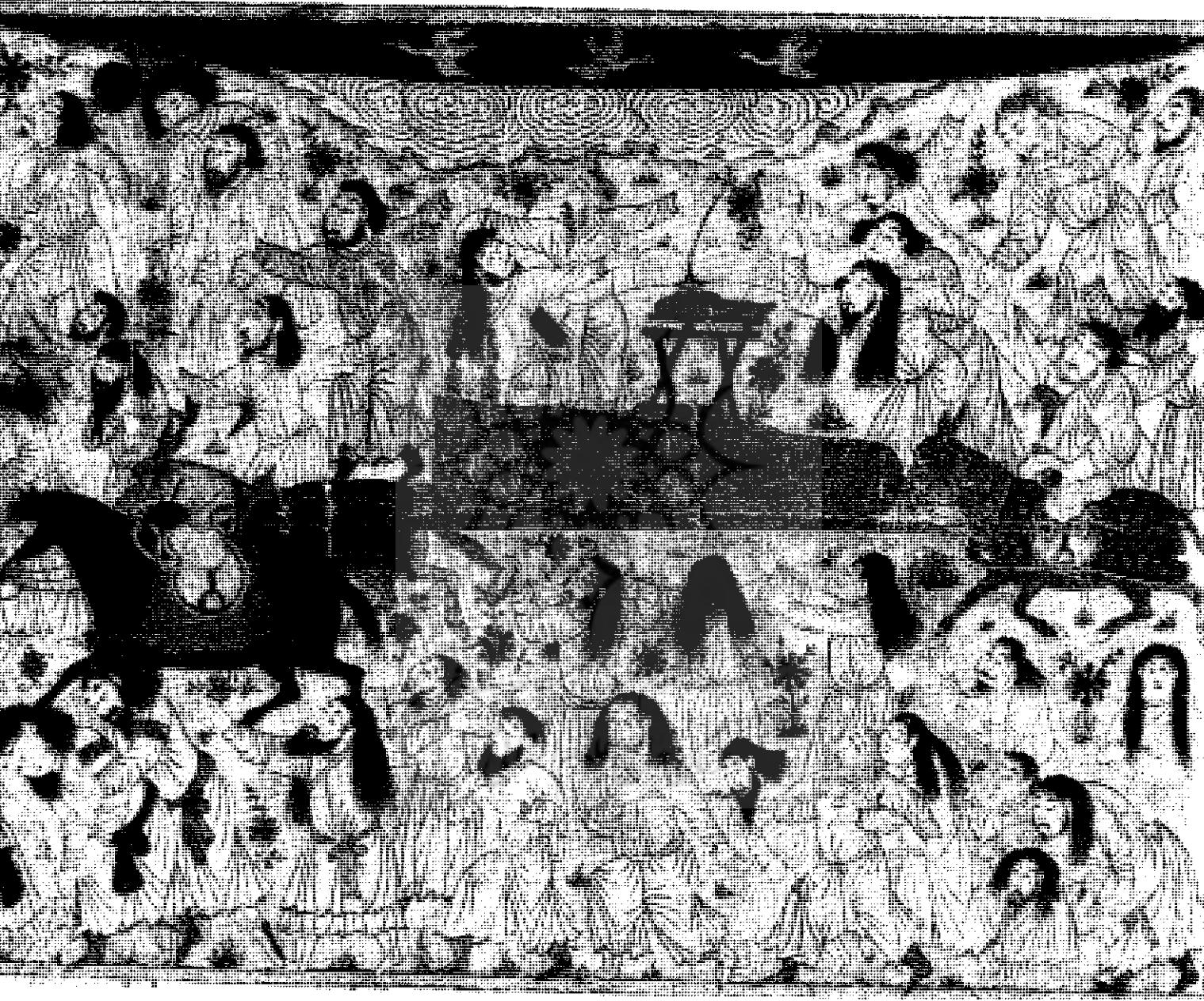
دکتر محمد خزایی

دانشیار دانشگاه تربیت مدرس



دوره ایلخانان مغول (۶۵۳-۷۵۴ هـ) دست یافت. مهم‌ترین شاھکار به تبریز، شاهنامه ایلخانی است. این ۷۳۶ هـ، در اوخر حکومت سلطان ابوسعید ایلخانی (۷۱۶ - ۷۳۶ هـ) - فرزند رشید الدین فضل الله همدانی - در تبریز مصور شده است. شاهنامه ایلخانی دارای ۵۸ مجلس است. یکی از مجالس این شاهنامه به صحنه تشیع جنازه اسفندیار، پسر گشتاسب اختصاص دارد که به شیوه طراحی کار شده است. در این مقال، نگارنده تنها به بررسی این مجلس از شاهنامه فوق می‌پردازد.

به نظر می‌رسد شکل رسمی و منسجم تولید کتاب و هنرهای کتاب آرایی - در محلی که بعدها عنوان کتابخانه را به خود گرفت - در همه زمینه‌های علمی، تاریخی، ادبی و ... تحت حمایت ایلخانان، حداقل از دوره غازان خان به شکلی هنری، مورد استقبال قرار گرفت. در مصور سازی کتاب‌ها در ابتدای پیشتر روش خطی (قلم گیری) و استفاده کمتر از رنگ که در هنر شرق مرسوم بود، مورد توجه هنرمندان مكتب تبریز قرار گرفت. در اواسط دوره ایلخانان مغول هنر کتاب آرایی رونق بسیاری یافت. از جمله قدیمی‌ترین نسخ خطی این دوره می‌توان به «مقامات حریری» و «منافع الحیوان» این بختیشور اشاره کرد که به دستور غازان خان (۶۹۴ - ۷۰۳ هـ) اولین سلطان ایلخانی که به دین اسلام گروید - در مراغه به فارسی ترجمه و مصور می‌شود. درایام حکومت سلطان محمد خدابنده (۷۱۶ - ۷۰۳ هـ)، با حمایت شیخ فضل الله همدانی، هنرمندان زیادی در تبریز به مصورسازی نسخ خطی پرداختند. رشید الدین فضل الله در محله ولیان کوی باغمیشه تبریز، یک سلسله عمارت زیبا به نام «ربع رشیدی» ساخت و عده‌ای از هنرمندان و نویسنده‌گان را در آن جا گرد هم آورد و آنها را به مصور کردن و نسخه‌برداری اثر تاریخی و فلسفی خود به نام «جامع التواریخ» گماشت. بخشی از نقاشی‌ها به مصور سازی داستان‌های مذهبی و بخش دیگر هم به مصور کردن تاریخ مغول مربوط می‌شود. آثار مصور



شکل ۱- مجلس تشییع جنازه اسفندیار پسر گشتاسب، شاهنامه معروف ایلخانی، ۷۳۱ الی ۷۳۶ هـ
دوره ایلخانان مغول، ۲۸/۹ ۲۲×۲۸ سانتی‌متر، موزه متروپولیتن نیویورک، شماره ۱۹۳۳(۳۳,۷۰)

شکل ۲-۱۰
نقاشی های چینی

شیوه نقاشی چینی، این احتمال را چینی در رسیده به کار مشغول به ویژه کوهها در نقاشی‌ها یادآور قرار گرفتن پیکره‌های انسانی به روی کاغذ کاملاً ایرانی است. علاوه بر چین، تأثیر اسلوب‌های نقاشی روم شرقی (مسيحی‌ها) به دليل حضور میلینین مسيحی، در آثار اين دوره بسیار مشهود است. سنت‌های هنری مانوی که در دوره سلجوقی ظهرور یافته بود نیز در طراحی چهره‌ها و در قالب صورت‌های ترکستانی در دوره مغول‌ها ادامه پیدا می‌کند.

رسیدالدین در سال ۷۱۸ هـ در پی یک توطئه، توسط سلطان ابوسعید، فرزند و جانشین سلطان محمد خدابنده، از قدرت بر کنار و سپس به مرگ محکوم شد. با وقوع این حادثه، پایگاه هنری ربع رسیدی با تمام آثار و کتاب‌های موجود در کتابخانه که شیخ فضل الله در «وقفیات» به آنها اشاره کرده، ویران شد و به غارت رفت. با این اتفاق، رسیدیه بیش از پنج سال دوام نیاورد.

در دوره سلطان ابوسعید، آخرین حاکم ایلخانی، با حضور هنرمندی همچون احمد موسی، یکی از مهم‌ترین نقاشان تاریخ نقاشی ایران مواجه هستیم. احمد موسی در این دوره فصل جدیدی در نقاشی به عنوان «مکتب اول تبریز» به وجود آورد. مهم‌ترین شاهکار به جای مانده از مکتب اول تبریز، شاهنامه ایلخانی است.^۱ این شاهنامه در اوخر حکومت سلطان ابوسعید ایلخانی و وزیر او خواجه غیاث الدین محمد، فرزند وزیر مقتول، خواجه رسید الدین، در بین سال‌های ۷۳۱ الی ۷۳۶ هـ. در تبریز، احتمالاً تحت نظر احمد موسی و شاگردانش مصور شده و دارای ۵۸ مجلس است.^۲

اشارة شد یکی از مجالس این شاهنامه به صحنه تشیع جنازه اسفندیار، پسر گشتاسب اختصاص دارد و به شیوه طراحی کار شده است (شکل ۱). این نقاشی هم‌اکنون به صورت تک ورقی در موزه متروپولیتن نیویورک نگهداری می‌شود. هنرمند در این طراحی به وضوح به طرح مراسم رسمی تشیع جنازه با آداب مقولی پرداخته است. در این طراحی پشوتن، برادر اسفندیار، در پس

تابوت دیده می‌شود که لباس و تجهیزات رزمی بر فراز آن قرار گرفته و توسط چند قاطر همراه با اسب سیاه اسفندیار به نزد گشتاسب حمل می‌شود.

پشوتن همی‌رفت گریان به راه اسب سیاه پشت تابوت و اسب سیاه

در اطراف تابوت، سوگواران با لباس‌های سفید و غیر رسمی با سرهای برخنه و موهای پریشان در حال زاری و زدن به سر و سینه خود هستند. طراح حداکثر کوشش خود را برای نشان دادن سوگواری با استفاده از خطوط منحنی موجادار و پرتحرک، چین و چروک لباس‌ها و حرکت‌های مختلف افراد به کار گرفته است. خطوط طراحی موی سر عزاداران در ایجاد حالت و بیان احساسی طراحی، کمک زیادی کرده است. اگرچه خطوط با شتاب زدگی و کاملاً آزاد طرح شده‌اند ولی دارای احساس و بیانی شگفت‌انگیز هستند. طراح با مهارت و درکی دقیق و هوشمندانه به طرح حالات افراد پرداخته است که در کمتر اثر طراحی یافت می‌شود. پیکره‌ها دارای صورت‌هایی بزرگ‌تر از حد طبیعی هستند ولی مملو از حرکت و جنبش‌اند (شکل ۲). در قسمت بالای تصویر، خطوط حلقونی شکل و منحنی، برای نشان دادن شکل ابرها متأثر از نقاشی چینی کار شده است.

به نظر می‌رسد انتخاب صحنه تشییع جنازه در این شاهنامه با تأکید وزیر وقت - خواجه غیاث الدین محمد - برای بزرگداشت خاطره قتل پدرش، شیخ فضل الله همدانی باشد که در سال ۷۱۸ هـ به قتل رسید.

طراحی این مجلس ممکن است توسط امیر دولتیار کار شده باشد. این هنرمند یکی از مهم‌ترین شاگردان احمد موسی است. دوست محمد در دیباچه مرقع بهرام میرزا، از او به عنوان یکی از شاگردان احمد موسی که در قلم سیاهی (طراحی) بی‌نظیر بوده، نام می‌برد. دوست محمد می‌گوید: «امیر دولتیار که از جمله شرف شاگردی استاد احمد موسی شد، به خصوص در قلم سیاهی [کمال الدین بهزاد] که بی‌نظیر عالم بود چون کارهای امیر دولتیار را دید، از روی انصاف به عجز اعتراف نمود.»



نتیجه

به طور کلی تحولات نقاشی ایران هنرمندان شاهنامه ایلخانی زمینه رشد و تحولی اساسی در نقاشی و طراحی ایرانی در قرن هشتم فراهم کرد. در این ایام یکی از درخشان‌ترین دوره‌های هنر نقاشی ایرانی رقم می‌خورد و زمینه مناسی برای پیشرفت سریع و نوزایی در نقاشی ایران ایجاد می‌شود. در این دوره اسلوب‌ها و عناصر خارجی نقاشی روم شرقی، ترکستانی، چینی و مغولی که در نقاشی‌های نسخ خطی ایلخانان دیده می‌شود، به واسطه استاد جنید و دیگر شاگردان احمد موسی جذب و هضم می‌شود و اصول و سنت‌های هنری ایرانی دگر باره ظهور می‌یابد.

پی‌نوشت

۱- ژرژ دموت (Georges Demot؛ ۱۸۷۷-۱۹۲۳م) به عنوان یکی از عتیقه فروشن پاریس آثار و نسخ خطی ایرانی را به فروش می‌رساند. دموت شاهنامه بزرگ و معروف دوره ایلخانی را که به اسم او هم مشهور شده است به خاطر حجم بزرگ و تصاویر زیاد، به صورت ورق ورق در سال ۱۹۱۳ به فروش رساند. او حتی اوراقی از کتاب را که دارای دو تصویر در پشت و روی آنها بود، به روشنی خاص از هم جدا کرد و به طور جداگانه به فروش رساند. قابل ذکر است دموت شاهنامه شاه اسماعیل دوم را هم به همین طریق ورق ورق کرد و به فروش رساند.

۲- به نقل از مارتبن سوئدی، در زمانی که محمدعلی شاه قاجار به مضیقه مالی دچار می‌شود، نسخه خطی نقاشی شاهنامه ایلخانی را برای پرداخت پول عطر و لباس زنانش می‌فروشد. مارتبن می‌گوید وقتی که این شاهنامه توسط یک تاجر ارممنی در هتلی در پاریس در چمدانی فرسوده برای فروش آورده شده بود، آن را دیده است. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به: ب. و. راینسون، "بررسی نقاشی ایرانی"، هنر و جامعه در جهان ایرانی، به کوشش شهریار عدل،

تهران، انتشارات طوس، ۱۳۷۹، ص ۱۷.

3. W. M. Thackston, *Album Prefaces and Other Documents on the History of Calligraphers and Painters*, Leiden: Brill, 2001, p. 13.